

قرن دوم و سوم هجری؛ آغازگاه تفاسیر قرآن

قرن دوم و سوم (ه.ق) را آغاز علوم اسلامی معرفی می‌کنند و تفاسیر از جمله علوم اسلامی هستند که در این دوران به وجود آمدند.



قرن دوم و سوم (ه.ق) را آغاز علوم اسلامی معرفی می‌کنند و تفاسیر از جمله علوم اسلامی هستند که در این دوران به وجود آمدند.

در قرن دوم و سوم (ه.ق) شاهد ایجاد علوم اسلامی هستیم. هرچند این علوم بر اساس گرایش‌ها و تاریخ قرن اول (ه.ق) ایجاد شدند، اما در این دو قرن بود که مسلمانان شروع به تدوین علوم اسلامی می‌کنند. در قرن دوم (ه.ق) بود که مکاتب کلامی ایجاد شدند، برای مثال مکتب معتزله در اوایل قرن دوم و توسط واصل بن عطا تاسیس شد.

دو قرن حیاتی در آغاز علم دینی

وقتی در قرن دوم (ه.ق) معتزله به وجود آمد، هنوز خبری از اشاعره نبود، معتزله در کنار فرقه‌هایی مانند مرجئه به وجود آمدند. برخی انشعابات از معتزلیان نیز به وجود آمد که از آن جمله می‌توان به معتزلیون جبری اشاره کرد. در همین قرن بود که مکتب جعفری توسط امام جعفر صادق (ع) بنیان‌گذاری شد. در حوزه فقه نیز مذاهب اربعه اهل سنت در این دوران تاسیس شدند. البته مکتب حنبلی در قرن سوم (ه.ق) تاسیس شده است. در حوزه قرآن نیز علم قرائت شکل گرفت. در این عصر اما تفسیر به عنوان یک فعالیت علمی و نه یک علم مطرح بود.

«در عصر تدوین علوم اسلامی، تفسیر یک رشته علمی مستقل نیست، بلکه یک نوع فعالیت علمی می‌باشد که در رشته‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته و این ویژگی باعث شده که در این دو قرن شاهد شکل‌گیری چندین نوع تفسیر باشیم، چرا که هر کدام از گروه‌هایی که درگیر مسئله تفسیر شدند، از منظر خاصی و با یک روش متفاوت با قرآن برخورد کردند و لذا نباید جنس کاری را که انجام داده‌اند، یکسان فرض کرد».

ظهور و تکوین تفاسیر سنی

در حوزه اهل سنت اولین تفاسیر کلامی، فقهی، روایی، ادبی و جوامع تفسیری به عمل آمد. اولین تفسیر کلامی توسط «عمرو بن عبید» از بنیانگذاران معتزله بوده است. این تفسیر توسط یکی از شاگردان وی جمع‌آوری شده و خود بنیادی بر تفاسیری مانند «جامع التاویل» و «المنصف» شد. بیشترین تفاسیر کلامی در این قرن و قرن سوم (ه.ق) متعلق به معتزله بود.

تفاسیر فقهی نیز در قرن سوم با «احکام القرآن» شافعی آغاز شدند. «شاید بتوان گفت فقها در قرن 2 و 3 (ه.ق) جزو گروه‌هایی هستند که کمتر از دیگر گروه‌ها درگیر مساله تفسیر شده‌اند و به این دلیل نمی‌توان نمونه‌های زیادی از تفاسیر آنان پیدا کرد، بلکه بیشتر در دوره‌های بعدی چنین کتبی را شاهد هستیم».

محدثین در اهل سنت نخستین مجموعه‌های تفسیری را نگاشتند، محدثانی در مرو، خراسان و بلخ به نوشتن کتاب‌هایی با عنوان تفسیر اقدام کردند. دسته دیگر تفاسیر ادبی بودند که همان‌طور که انتظار می‌رود به موضوعات زبان‌شناختی و ادبی می‌پرداختند. مجموعه‌هایی که تاکنون در قالب تفاسیر کلامی، فقهی و ادبی تدوین شده بودند، در واقع تفاسیر واقعی نبودند. «اتفاقی که در اواخر قرن 3 هجری روی می‌دهد این است که محدثینی پدیدار شدند که تصمیم گرفتند مجموعه‌های مستقل و مفصلی در علم تفسیر بنویسند و برای اولین بار مجموعه‌هایی با رویکرد مفسرانه و با حجم مفصل و با ویژگی جامعیت در تفسیر نوشت شد که نویسندگان آن‌ها تلاش داشتند تمام تفاسیر روایی و حتی کتب حدیثی که جنبه تفسیری ندارند را بررسی کردن و از در آن مضامین تفسیری استخراج کنند».

تفاسیر «ابن کثیر»، «الدارالمنثور» اثر سیوطی، «تفسیر القرآن» نگاشته ابوبکر ابن‌منذر نیشابوری، «تفسیر القرآن» نوشته ابوبکر ابن خزیمه نیشابوری از این دست تفاسیر بودند. همه این تفاسیر جامع بودند، یعنی سعی کرده بودند تا تمام تفاسیر روایی معتبر عصر خودشان را جمع کنند و همچنین ایرانی بودند.

آغازگاه تفاسیر شیعه

در میان شیعیان، اصحاب امام سجاد (ع) شروع به نوشتن تفسیر کردند. این دقیقا همان زمانی بود که تفسیرنویسی اهل سنت آغاز شد. از قدیمی‌ترین تفاسیر شیعه می‌توان به تفسیر ابوحزمه ثمالی اشاره کرد. این تفسیر سال‌ها در میان شیعیان رواج داشت. تفسیر مهم دیگر متعلق به جابر بن یزید جعدی است که مفقود شده است، نویسنده این تفسیر از صحابه امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) بود.

قدیمی‌ترین تفسیر شیعه‌ای که امروز بقایای آن باقی مانده نیز در قرن سوم (ه.ق) توسط علی بن ابراهیم قمی است. «تفسیر دیگری که باید در شمار تفاسیر روایی امامیه از آن یاد کرد، تفسیر «عیاشی» می‌باشد که نسخه کامل این کتاب تا قرن 6 هجری نیز وجود داشته است». صاحبان تفسیر طبرسی و مجمع البیان از این تفسیر استفاده‌های فراوانی کردند.

از دیگر تفاسیر شیعه در این دوره می‌توان به تفاسیر «شواهد التنزیل» نوشته حاکم حسکانی، تفسیری نوشته فرات کوفی است که به دست ما نرسیده است.